مؤلفه‌هاي قرآني اتحاد ملي و انسجام اسلامي در آرمان شهر مهدوي

مهدي سلطاني رناني

چكيده

اتحاد ملي و انسجام اسلامي به مثابه اصلي قاطع و ضروري در همه زمان‌ها محسوب مي‌شود و از معدود مفاهيمي است كه مورد توجه و تاكيد خاص قرار گرفته است و همگان، قوام و دوام جامعه را بدان وابسته مي‌دانند. در آرمان شهر مهدوي نيز اين موضوع، تأمين كنندة منافع و مصالح اعضاي آن و موجب استقرار امنيت و توسعه عدالت فردي و اجتماعي است. به طور كلي، اميد مردم به تحقق پذيري جامعه بر خوردار از اتحاد ملي و انسجام اسلامي و باور آن‌ها به امكان پذير بودن استقرار نظام حكومت مبتني بر وحدت دروني، لازمه‌اي اساسي در دستيابي به مشخصه‌هاي اجتماع عدل موعود مي‌باشد كه قرآن كريم نيز بر آن تأكيد مي‌كند.

سعي نگارنده در اين مقاله آن است كه مؤلفه‌هاي قرآني اتحاد ملي و انسجام اسلامي را در جامعة آرماني مهدوي مورد اشاره و بررسي قرار دهد و ضرورت هر چه بهتر و بيشتر آمادگي براي نيل به جامعه آرماني متحد و منسجم اسلامي را در روزگار موعود نمايان سازد.

كليد واژه‌ها: قرآن كريم، اتحاد ملي و انسجام اسلامي، جامعه آرماني مهدوي، آرمان شهر مهدوي، مهدويت، وحدت و همدلي.

مقدمه

اتحاد ملي و انسجام اسلامي، رمز پيروزي و ماندگاري جامعة بشري در همة عرصه‌ها است و اختلاف و تفرقه، عامل انحطاط و شكست آنان است ؛ زيرا در قرآن كريم، تمام بشريت، امّت واحد، قلمداد شده [1] و داستان و تاريخ امّت‌هاي پيشين زمينه و عبرتي كارساز براي اهل خرد به شمار آمده است، تا از تفرقه بپرهيزند. [2]

در جامعه مهدوي (مدينه فاضله عصر موعود) نيز اتحاد ملي و انسجام اسلامي از ابعاد عظمت حركت مهدوي در بعد گسترده جهاني به شمار مي‌آيد و به وسيله آن، به سوي تحقق آرمان‌هاي الهي در اين اجتماع گام بر داشته مي‌شود؛ زيرا ياوران مهدي، يكرنگ و يك دلند: «قلوبهم مجتمعة»[3]. مبناي حركت آنان، خدا خواهي و خدا پرستي مطابق شريعت الهي و دستورات عظيم و انسان ساز قرآن كريم است؛ به گونه‌اي كه بدون پشتوانه قرآني و الهي، هرگز آرمان معنوي اتحاد ملي و انسجام اسلامي محقق نخواهد شد و تشتّت و اختلاف، سراسر جوامع بشري را فراخواهد گرفت؛ بنابراين انديشة ساختن مدينه فاضله‌اي كه در آن، شهروندان، متحد و منسجم، فضيلت محور و ارزش مدار زندگي كنند، نيازمند توجّه به قوانين الهي است كه توسط قرآن كريم و سخنان اهل بيت عليهم السلام براي تمام ياوران مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف و آرزومندان حضور در آرمان شهر مهدوي ترسيم و تعيين شده است.

مولفه‌هاي اتحاد ملي و انسجام اسلامي

بدون ترديد، همه افراد بشر، داراي فطرت پاك الهي[4] و برخوردار از زندگي اجتماعي هستند. به فرمودة علامه طباطبايي رحمه الله عليه نتيجه معناي «كان الناس اُمةً» دو عبارت اساسي است: 1. انسان، موجودي اجتماعي و نيازمند حضور در اجتماع است.

2. انسان، موجودي است كه به اتحّاد و انسجام دروني رغبت داشته و حضور او در اجتماع اين تمايل را رنگين تر مي‌سازد.[5]

عوامل مختلفي، از يك سو، فطرت توحيدي مردمان را پوشانده و از سوي ديگر، آنان را از يكديگر جدا و متفاوت ساخته است؛ قرآن كريم با تاكيد بر همساني سرشت انسان‌ها، تقوا را عامل برتري آنان بر يكديگر[6]و صالحان را وارثان حقيقي زمين در جامعة موعود مي‌داند؛[7]جامعه‌اي كه از مسؤوليت‌هاي مهم و اساسي اش، دعوت مردم به اتحاد ملي و انسجام اسلامي به منظور پاسخ گويي به نداي فطري توحيد[8]و حلّ اختلافات غير طبيعي آن ها[9] از طريق اقامه عدل[10]و اجراي حدود الهي[11] و آزادسازي انسان ها[12] از غُل و زنجيرهاي خرافات، عادات و رسوم غلط، جهل و ناداني، قوانين نادرست، اسارت و استبداد در چنگال طاغوتيان و زندگي ناهنجار طبقاتي و در يك كلام «امّت سازي متّحد و منسجم اسلامي و الهي» است؛[13] كه در مسير بعثت پيامبر اعظم و با همان اهداف الهي شكل مي‌گيرد؛ اهدافي چون فراگير شدن عدالت، امّتي يگانه و جهاني[14]، معتدل و متعارف و نمونه و شاهد بر همگان[15]و به ديگر سخن بهترين اُمّت از آغاز خلقت تا كنون[16]با مؤلفه‌هاي متّحدانه و منسجم گراي قرآني عدالت، مهر ورزي، تعاون و همدلي، انفاق و احسان، امر به معروف و نهي از منكر، مبارزة جدي با هر گونه فساد و سامان دهي اُمور با توجه به اين كه بر اساس وعدة خداوند در قرآن كريم، جامعة بشري به سوي گسترش روز افزون اسلام و تحقق اراده الهي مبني بر حاكميت مطلق ارزش‌هاي خداوندي در حال حركت است و در آينده، جامعه جهاني واحد و تكامل يافته‌اي به رهبري مهدي موعود عجل الله تعالي فرجه الشريف تشكيل خواهد شد كه در آن، همة ارزش‌هاي امكاني و بالقوه انسانيت، به فعليت مي‌رسد و انسان، به كمال و سعادت واقعي خويش دست خواهد يافت، رسالت همه مذاهب و فرق اسلامي، برنامه ريزي و گام بر داشتن در جهت تحقّق جامعه‌اي متّحد و منسجم بر طبق اهداف نبوي صلي الله عليه و آله و بر مبناي قرآن و سيرة معصومان عليه السلام مي‌باشد كه همان نيل به عصر ظهور (مدينه فاضله موعود) و آرمان شهر مهدوي است. اين امر، نيازمند ايمان كامل[17]، شرح صدري خداداد،[18]اراده پولادين[19]، رحمتي فراگير،[20]تلاشي طاقت فرسا،[21] صبر جميل[22]و استقامتي و الا و همه جانبه و درشأن فرمان الهي[23] با اسوه پذيري از پيامبر اعظم صلي الله عليه و آله[24] و نمونه و شاهد قرار دادن او است[25] زيرا پيروي از او و الگو قرار دادنش، حيات بخش مي‌باشد[26] و مشتاقان به ظهور و فرج مهدي آل محمد عجل الله تعالي فرجه الشريف را آماده تر و پايدار تر مي‌كند.

عدالت

رعايت عدالت در زندگي اجتماعي، از مباني مهم اتحاد ملي و انسجام اسلامي در آرمان شهر مهدوي است. عدالت مورد نظر در جامعة موعود، ريشه در ولاء‌ها و ولايت‌هاي موقّتي و غير اسلامي ندارد، بلكه بر گرفته از ولايت اصيل الهي و در مسير آن است. اقامه عدل، فرمان خداوند است[27] و از اهداف اصلي جامعة مهدوي در مسير بعثت انبياي الهي و ولايت معنوي اولياي خداوند متعال است.[28] بر همين اساس، پاية ارتباطات خير خواهانه و بر خاسته از انگيزه معنوي و همچنين ايثار و حمايت از ديگران را عدالت و حقوق آنان در اين اجتماع تشكيل مي‌دهد. امام باقر عليه السلام در اين باره چنين مي‌فرمايد:

«ان لله عزوجل جنه لا يدخلها الا ثلاثه؛ رجل حكم علي نفسه بالحق، و رجل زار اخاه المومن في ا... و رجل آثر اخاه المومن في ا...؛ خداي عزوجل بهشتي دارد كه جز سه كس به آن وارد نشود: كسي كه بر عليه خويش بر اساس حق و عدالت داوري كند؛ كسي كه برادر مؤمنش را، به انگيزه الهي ديدار كند و كسي كه براي رضاي خدا، برادر ايماني را بر خويش ترجيح دهد.»[29]

آري، بر پايي عدالت، مأموريت پيامبر اعظم صلي الله عليه و آله و فرزند برومندش حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف است. فراخواني به عدالت، معيار اصلي تقوا[30] و جامعة ايماني عصر موعود، جامعه‌اي سرشار از عدل و دوري از ظلم است.[31]اجراي عدالت در جامعة مهدوي، آن چنان فراگير مي‌شود كه دشمنان را نيز شامل شده و مراعات آن، دربارة آن‌ها نيز جدي تر و نمايان تر مي‌گردد؛ همان گونه كه قرآن كريم فرموده: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ كُونُواْ قَوَّامِينَ لِلّهِ شُهَدَاء بِالْقِسْطِ وَلاَ يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ عَلَى أَلاَّ تَعْدِلُواْ اعْدِلُواْ هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى وَاتَّقُواْ اللّهَ إِنَّ اللّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ»؛ «‌اي كساني كه ايمان آورده‌ايد، براي خدا قيام كرده، شاهدان عدالت باشيد. و دشمني با گروهي وادارتان نكند كه عدالت نورزيد. عدالت ورزيد كه به تقوا نزديك تر است و تقوا پيشه كنيد كه او به هر كاري كه مي‌كنيد، آگاه است.»[32]

در اين آيه، به يك اصل اساسي و يك قانون كلي درباره اجراي عدالت در همة موارد بدون استشنا اشاره مي‌كند و به تمام افراد با ايمان فرمان مي‌دهد: «عدالت را بر پا كنيد». بايد در هر حال و هر كار و هر عصر، قيام به عدالت كنيد ؛ اين عمل، خلق و خوي شما شود و براي حضوري خالصانه و پايداردر جامعة آرماني مهدوي، آماده گرديد و انحراف از عدالت بر خلاف طبع و روح شما شود.[33]عدالت كه به معناي قرار دادن هر چيز و هر شخص در جايگاه شايسته خويش است،[34]دايره‌اي بسيار گسترده دارد كه هم حكم و قضاوت،[35] هم سخن و گفتار[36] و هم مسائل اقتصادي[37] و اجتماعي[38] را در بر مي‌گيرد. در جامعه آرماني مهدوي، عدالت در قوانين مالي و اجراي آن‌ها و سيستم توزيع اقتصادي و مساوات در تقسيم و در همة زمينه‌ها به دقت ظهور مي‌يابد؛ به طوري كه امكانات زندگي و رفاه نسبي بدون تبعيض، براي همگان، قابل دست يابي بوده [39]، ثروت، در دست گروهي خاص، انباشته نمي‌شود تا آموزه قرآني (كي لا يكون دوله بين الا غنياء منكم)؛[40] «تا ميان توانگران شما دست به دست نگردد» تحقّق يابد. بايد دانست در جامعه‌سازي آرماني مهدوي، اقامه عدالت توسط همه انسان‌ها، تنها يك شعار زيبا و تعارف دلكش نيست؛ بلكه زمينه بهانه‌هاي واهي براي دست برداشتن از اجراي آن نيز بسته مي‌شود. اجراي عدالت درآن جامعه، يك برنامه عملي گسترده است كه با راهبردهاي اساسي «بينات»، «كتاب»، «ميزان» و «حديد» به صورت جدي پي گيري شده[41] و آثار عميق و بي بديلي در استواري، صلابت و گسترش اتحاد ملي و انسجام اسلامي در آن جامعه دارد؛ به طوري كه مبناي سخن نغز علامه طباطبايي رحمه الله عليه دربارة عدالت، در آرمان شهر مهدوي به طور كامل عملي شده و به واقعيت مي‌پيوندد:

اگر در جامعه، حق پيروي شود و قسط به پا داشته شود، آن مجتمع، سر پاي خود خواهد ايستاد و از پا در نخواهد آمد و در نتيجه، هم غني و توانگر باقي مي‌ماند و از پاي در نمي‌آيد و هم حال فقير اصلاح مي‌شود.[42]

مهرورزي

توجه به مؤلفه مهرورزي، با از بين بردن زمينه‌هاي كينه و ايجاد فضاي اخوّت و برادري، از اقدامات و برنامه‌هاي اساسي گسترش اتحاد ملي و انسجام اسلامي در آرمان شهر مهدوي است؛ زيرا صميميت و صفا با التفات به اين مؤلفه عظيم، بين مردم و اعضاي جامعة مهدوي به طور كامل امكان پذير مي‌شود؛ يعني با مولفه مهرورزي پايه‌هاي صفا و صميمت بين اعضاي جامعه مهدوي شكل گرفته و تقويت مي‌گردد و روابط آنها محبت آميز و به دور از عزت و تكبر مي‌شود و در مسير مطلوب خود قرار مي‌گيرد كه مباني آن، بر گرفته از قرآن كريم است؛ به دلايل ذيل:

1.جامعه مهدوي، جامعه‌اي كاملاً ايماني است و مطابق نظر قرآن، همة مؤمنان با هم برادرند[43]و خداوند، آنان را عضو امّت يگانه و بزرگ اسلامي و بندگان حقيقي خود خوانده است.[44]

2.مهرورزي، تأليف قلوب را در پي داشته و راه‌هاي تفرقه را مي‌زدايد و زدودن تفرقه، از برنامه‌هاي اصيل و مهم جامعه سازي مهدوي (مدينه فاضله عصر موعود) است.[45]

3. با رواج دائمي تقوا در همه زمينه‌ها، اتحاد و انسجام نيز قطعي شده و با رويكردي حقيقي گسترش مي‌يابد، لذا اختلافات از ميان مردم رخت بر مي‌بندد و اين، همان خواسته قرآن است.[46]

4. با اتحاد ملي و انسجام اسلامي، دين خداوند به طور كامل در جامعه موعود حاكم مي‌شود و صراط مستقيم الهي، تنها مسير هدايت و انديشة نيروها و اعضاي اين جامعه است.[47]

5.مهرورزي، هر گونه تنازع و در گيري بين اعضاي جامعه مهدوي را از بين برده و زمينه‌هاي تمسك به حبل ا...،[48] اطاعت از خدا و رسول[49] و اولي الامر[50] را كه محورهاي اصيل وحدت اسلامي است فراهم مي‌كند و هر گونه تحاكم به طاغوت و پذيرفتن حكم جاهليت[51] و نپذيرفتن مرجعيت نهايي امام عصر عجل الله تعالي فرجه الشريف را محو مي‌كند؛ زيرا گرايش به اين جنبه‌ها، نشانة بي ايماني،[52] نفاق[53] و تشتت مذهبي است كه در آرمان شهر مهدوي جايگاهي ندارند. بنابراين، در سنت مبارك مهدوي مانند سنت نبوي، از يك سو مهرورزي و دوستي با يكديگر[54]در پرتو جلال و عظمت الهي، صفت مؤمنان مقرب و ياوران حقيقي موعود نزد خداوند معرفي شده [55]و از سوي ديگر، افراد، از دست يا زيدن به قتل كسي،[56] گرفتار آمدن به عجب و غلو در آيين و شعائر ديني، خويش[57]و تكفير هر مسلمان به انگيزه‌هاي دنيايي و جاه طلبي‌هاي فردي يا گروهي نهي شده و در امانند[58] (مقصود از تكفير هر مسلماني اين است كه اعمال ضروري را با انگيزه‌هاي مذكور از ارزش و اعتبار حقيقي انداخته او را كافر جلوه دهند.) اينان همان كساني هستند كه در آخرت، از نور الهي بر خوردار خواهند شد.[59]

تعاون و همدلي

بسط و گسترش اصل تعاون و همدلي اعضاي جامعه اسلامي، يكي از مؤلفه‌هاي اساسي تبلور اتحاد ملي و انسجام اسلامي در آرمان شهر مهدوي است. مبناي مؤلفه مذكور را ديدگاه اسلام در اين خصوص تشكيل مي‌دهد: «اعضاي جامعه اسلامي عضو يك پيكرند[60] كه در شادي و غم يكديگر شريك مي‌باشند؛ آنان بايد دست به دست هم بدهند تا با همكاري و تعاون مشكلات را حل كنند و همكاري‌ها بر محور«بِرّ»[61] باشد نه بر محور «اثم»[62].[63]

زمينه‌هاي شكل‌گيري و توجّه به مؤلفه تعاون و همدلي در جامعه آرماني مهدوي از ديدگاه قرآن كريم عبارت است از:

1. خداوند، همگان را به تعاون و مشاركت در كارهاي خير و تقوا و عدم همكاري در گناه و تجاوز فراخوانده است.[64]

2.عصر ظهور، (مدينه فاضله) عصر تبلور همدلي‌ها و همكاري‌هاي مستمر در امور خير است. خداوند متعال، علاوه بر فراخواني به تعاون و همدلي، راه‌هاي آن را نيز پيش رو نهاده، تا آمادگي هر چه بهتر براي حضور در عصر مدينه فاضله موعود براي همگان فراهم باشد و بهانه جويي‌ها براي گريز از اين مسؤوليت بزرگ اجتماعي منتفي شود. سلام كردن به هر مؤمن، هنگام ملاقات[65] و سلام ديگران را به نيكي جواب دادن ـ حتي در حال نمازـ[66] حضور فعال در اجتماعات مذهبي هم چون نماز جماعت و جمعه، پرداخت زكات،[67] متعهد بودن برابر خويشاوندان و همسايگان از هر ملت و مذهب،[68]خيرخواهي و ابراز خالصانه‌ترين آرزوهاي نيك قلبي و در خواست آمرزش از خداوند متعال براي برادران مؤمن[69] از جمله اين راه‌ها است.

انفاق و احسان

از مهم‌ترين برنامه ريزي‌هاي قرآني و اقدامات اساسي جامعه اسلامي براي نيل به سعادت و ايجاد آمادگي و نشاط در نهاد معنوي افراد در راستاي تبلور اتحاد ملي و انسجام اسلامي و حضور در جامعه جهاني و سراسر نور موعود، چنين است:

بهسازي وضعيت عمومي افراد جامعه، محروميت زدايي، مبارزه با فقر، رسيدگي به ضعفا و ايتام و زيردستان از طريق برنامه‌ريزي‌هاي كلان، تدوين و اجراي قوانين توزيع عادلانه ثروت،[70] توجّه به نيازمندي‌هاي افراد جامعه و بر آوردن آن‌ها به وسيله آن چه خداوند روزي كرده،[71] اعطاي وام[72] و مهلت دادن براي اداي آن،[73] نيكو كاري[74] و پرداختن صدقه به محرومان نه از سر ترحم و همراه منت و اذيت و فخر فروشي،[75] بلكه از سر شريك دانستن فقرا در ثروت خويش[76] كه به عنوان راه كارهاي قرآني وحدت و انسجام معنوي انفاق و احسان مطرح مي‌باشند.[77]

امر به معروف و نهي از منكر

پي افكندن نظارت همگاني[78]، توصيه متقابل مسلمانان به حق و كنار نهادن رخوت، سستي و بي تفاوتي به امور اجتماعي با مؤلفه امر به معروف و نهي از منكر، از مهم‌ترين راه كارهاي قرآني توسعه اتحاد ملي و انسجام اسلامي براي نيل به عصر ظهور و آمادگي براي حضور در جامعة آرماني مهدوي به شمار مي‌رود.[79] قرآن كريم، جامعة اسلامي را به دليل اجراي امر به معروف و نهي از منكر در آن، بهترين جوامع، و جامعه مهدوي را نمونه‌اي عالي براي تبلور اين ويژگي در سطح آن مي‌داند؛[80]زيرا به وسيلة ترويج و اشاعة صحيح اين دو فريضه بزرگ الهي در آرمان شهر مهدوي، راه‌ها امن مي‌گردد و كسب و كار مردم به طور كامل حلال مي‌شود، حقوق افراد تأمين مي‌گردد، در سايه آنها، زمين‌ها آباد و از دشمنان انتقام گرفته مي‌شود و در پرتو آن، همة امور، به صلاح مي‌گرايد و اتحاد و همبستگي معنوي و ملي، وسعت مي‌يابد.[81]

به طور كلّي، از اقدامات جامعه ساز حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف در عصر ظهور، براي تبلور اتحاد ملي و انسجام اسلامي، پرس و جو براي اطلاع يافتن از وضع مردم و پيش گيري از گمراهي آنان،[82] تلاش دلسوزانه براي دور ساختن مردم از گناه،[83] تشويق مداوم مردم به محاسن اخلاقي،[84] معرفي نيك و بد و مصاديق آن [85]در سايه‌سار امر به معروف و نهي از منكر مي‌باشد. نكته مهم و شايان ذكر اين است كه انجام اين اصل اجتماعي در جامعة مهدوي، به دور از خود محوري و يك سويه‌‌نگري مي‌باشد[86] و حفظ احترام و ادب، پرهيز از سخنان تنفّر بر انگيز،[87]بردباري، حيا، صداقت، تواضع، تعادل، نرمي سخن و كوتاهي صدا، احترام به بزرگتر‌ها و ترحّم به كوچك تر‌ها از مباني عملي آن به شمار مي‌رود.[88]

مبارزه جدي با هر گونه فساد

خداوند، به هيچ وجه فساد را بر نمي‌تابد و جامعه اسلامي را بدون فساد مي‌خواهد؛ به همين دليل، در آيات بسياري از كتاب آسماني خود، آدميان را از ارتكاب هر گونه فساد نهي مي‌كند. در جامعه آرماني مهدوي نيز مبارزه جدي با هر گونه فساد، از شاخصه‌هاي گسترده و جهاني عدل به شمار مي‌آيد. با حاكميت مهدوي، اختلافات وبي عدالتي‌ها كه منشاء اصلي فسادند، از بين مي‌رود. مرحوم طبرسي نيز دربارة مسأله و مؤلفه قرآني مذكور در ذيل آيه[89] چنين مي‌گويد:

منظور از فساد در زمين، اضرار و زيان رساندن به مردم است و در جامعة مهدوي، از فساد و زيان رساني هيچ خبري نيست.[90]

شيح طوسي نيز در تبيان مي‌گويد:

فساد، عبارت است از هر چيز كه از اعتدال و استقامت خارج شده باشد.[91] در جامعة مهدوي، همه امور و برنامه ريزي‌ها بر اساس تعادل و مطابق آرمان‌هاي قرآن كريم است؛ همان طور كه رسول خدا صلي الله عليه و آله در حديثي فرموده: «ابشركم بالمهدي يبعث في امتي علي اختلاف من الناس و زلازل فيملا الارض قسطا و عدلا كما ملت جورا و ظلما يرضي عنه ساكن السماء و ساكن الارض…: شما را به مهدي مژده مي‌دهم كه او در امت من، به هنگام اختلاف و سختي‌ها بر انگيخته مي‌شود، پس زمين را پر از قسط و عدل مي‌سازد؛ همان طوري كه از جور و ستم پر شده باشد. ساكنان آسمان و زمين، از او راضي مي‌شوند...» [92] به اين ترتيب، قرآن كريم، براي گسترش و ظهور هر چه بيشتر اتحاد ملي و انسجام اسلامي، (پيوند قلبها و گسترش هر چه بيشتر اخوت و برادري) براي نيل به جامعه پويا و آرمان مهدوي، خودداري و جلوگيري از قتل و آدم كشي،[93] فتنه،[94] دزدي،[95] رباخواري،[96] قطع رحم،[97] نابود ساختن زراعت و نسل[98] و از ميان برداشتن انواع تباهي و نادرستي در محيط اجتماعي[99] را از امّت اسلامي در خواست كرده است. در سيرة متعالي امام عصر عجل الله تعالي فرجه الشريف نيز با الگو گيري كامل از پيامبر اعظم صلي الله عليه و آله در امور گوناگون فردي، اجتماعي، اقتصادي و سياسي، نكاتي وجود دارد كه در راستاي تحقّق اصل مهم جامعه سازي قرآني، با توسعه اتحاد ملي و انسجام اسلامي، معناي حقيقي خود را باز مي‌يابد: تعهد اموال بيت المال و دغدغه آن در مورد مقرّر خود،[100] طرد فاسدان و كافران و نهي از هم نشيني با آن‌ها،[101] تحريم و منع همراهي و همكاري با ظالم،[102] عدم دريافت هديه از كفار،[103] ممنوع ساختن ترور و كشتار جمعي،[104] قاطعيت در برابر ويژه خواهي و خواسته‌هاي ناصحيح نزديكان و ياران نزديك، همانند در خواست آنان درباره باز بودن درب خانه‌ها يشان به مساجد.[105]

سامان دهي امور و به سامان بودن آن

مدينه فاضله اسلامي، در حقيقت، آرمان شهر رفاه و آسايش هميشگي و همگاني است؛ زيرا امور مختلف مردم، هرگز به حال خود رها نمي‌شود و با چاره انديشي، طرح و برنامة اجرايي صحيح و سامان دهي و فراهم بودن امكانات، در جهت به سامان كردن مسائل اقدام مي‌شود. برنامه ريزي‌هاي امام عصر عجل الله تعالي فرجه الشريف در تحقّق اين مؤلفه، بر اساس شكل‌گيري و گسترش اتحاد ملي و انسجام اسلامي در جامعه آرماني موعود مبتني بر اين موارد ذيل مي‌باشد: تاكيد و رواج مشورت در امور، پيش از تصميم گيري[106] براي حل امور و سامان دهي آن‌ها،[107] عاقبت نگري به هنگام تصميم گيري،[108] ترويج فرهنگ مدارا با هم ديگر[109] قدرت نمايي و ظاهر آرايي در برابر دشمن[110] و عدم انفعال در برابر تهديدات و خشونت دشمنان.[111]

نتيجه

جملات ذيل را مي‌توان نتايج اين مقاله بيان كرد:

1. جامعة آرماني مهدوي، در سايه‌سار اتحاد ملي و انسجام اسلامي با مؤلفه‌هاي قرآني عدالت، مهرورزي، تعاون و همدلي، انفاق و احسان، امر به معروف و نهي از منكر، مبارزة جدي با فساد و سامان دهي و به سامان بودن امور، حتماً و بر اساس وعده خداوند در قرآن كريم[112] محقّق خواهد شد.

2. مطابق فرمايش عميق علامه طباطبايي رحمه الله عليه، كاوش عميق در احوال كائنات، نشان دهنده اين است كه انسان، در جايگاه جزئي از كائنات در آينده به غايت و كمال خود خواهد رسيد و همة انسان‌ها، متحد و منسجم در ساية استقرار اسلام و با مديريت الهي و تكامل مجتمع انساني در سطح جهاني به زندگي كاملاً ايده آل و مطلوب دست خواهند يافت كه همان حكومت جهاني موعود و سراسر معنوي مهدي آل محمّد صلي الله عليه و آله مي‌باشد و به مدينه فاضله اسلامي معروف است.[113]

3.جوامع، تمدن‌ها و فرهنگ‌ها، به سوي يگانه شدن، متحدالشكل شدن و در نهايت امر، ادغام شدن در يكديگر سير مي‌كنند و آينده جوامع انساني، اجتماع جهاني واحد تكامل يافته‌اي است كه در آن، مؤلفه‌هاي قرآني اتحاد ملي و انسجام اسلامي شكل مي‌گيرد؛ تمام ارزش‌هاي امكاني انسانيت به فعليت مي‌رسد و انسان، به سعادت و كمال واقعي و بالاخره به انسانيت اصيل خود خواهد رسيد.[114]

4. نكته قابل توجّه ديگر اين كه براي محقّق ساختن وعدة الهي مبني بر حاكميت ارزش‌هاي اسلامي به وسيله گسترش اتحاد ملي و انسجام اسلامي در ميان ملل مسلمان و تشكيل امّت متحّد و يگانه اسلامي، بايد همه مذاهب اسلامي در پر تو قرآن و بر اساس سنّت و سيره نبوي و اهل بيت مطهّرش عليهم السلام، برنامه ريزي كرده و به سوي جلو گام بردارند، تا زمينه جامعة نمونه و متّحد و منسجم جهاني به رهبري مهدي موعود عجل الله تعالي فرجه الشريف فراهم آيد.

[1]. (كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً): بقره (2): 213.

[2]. (لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِّأُوْلِي الأَلْبَابِ): يوسف (12): 111.

[3]. فرمايش امام علي عليه السلام، يوم الخلاص، ص 223.

[4]. روم (30): 31.

[5]. الميزان، ج2، ص 126.

[6]. حجرات (49): 13.

[7]. انبياء (21): 105.

[8] . بقره (2): 21؛ مائده (5): 72؛، اعراف (7): 59، 65، 73، 85، و نحل (16): 36.

[9]. (وَمَا أَنزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلاَّ لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُواْ فِيهِ)، نحل (16): 64؛ نيز بقره (2): 213.

[10]. (لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ): حديد (57): 25.

[11].، نساء (4): 13و14.

[12]. (وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالأَغْلاَلَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ): اعراف (7): 157.

[13]. ر.ک: ناصر مکارم شيرازي؛ تفسير پيام قرآن، ج7، ص 28-26.

[14]. انبياء (21): 92؛ مؤمنون (23): 54 و سباء (36): 28.

[15]. (وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِّتَكُونُواْ شُهَدَاء عَلَى النَّاسِ): بقره (2): 143.

[16]. (كُنتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ): آل عمران (3): 110.

[17]. (آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِن رَّبِّهِ): بقره (2): 285.

[18]. انشراح (94):1.

[19]. (فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُوْلُوا الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ): احقاف (46): 35.

[20]. انبياء (2): 107.

[21]. مزمل (73): 7.

[22]. معارج (70): 5.

[23]. هود (11): 112.

[24]. (لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيراً): احزاب (33): 23.

[25]. (وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا): بقره (2): 143.

[26]. (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ اسْتَجِيبُواْ لِلّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُم لِمَا يُحْيِيكُمْ): انفال (8): 24.

[27]. نحل (16): 90.

[28]. حديد (57): 25.

[29]. اصول کافي، ج 3، ص 257.

[30] مائده (56): 8 .

[31]. (لاَ تَظْلِمُونَ وَلاَ تُظْلَمُونَ): بقره (2): 279.

[32]. مائده (5): 8 .

[33]. ناصرمکارم شيرازي و جمعي از نويسندگان، تفسير نمونه، ج4، ص 161.

[34]. نهج البلاغه، ح 437.

[35]. (و وَإِذَا حَكَمْتُم بَيْنَ النَّاسِ أَن تَحْكُمُواْ بِالْعَدْلِ): نساء (4):58.

[36]. (وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُواْ): انعام (6): 152.

[37]. (وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذا كِلْتُمْ وَزِنُواْ بِالقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ): اسراء (17): 35.

[38]. (كُلُواْ مِن ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُواْ حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ): انعام (6):141.

[39]. محسن قرائتي، نبوت، قم، نشر و العصر، ص 119-120 .

[40] حشر (59): 7.

[41]. حديد (57): 25.

[42]. سيد محمد حسين طباطبايي، الميزان، ج 5، ص 109.

[43]. حجرات (49): 10.

[44]. مؤمنون (23): 52.

[45]. (وَاذْكُرُواْ نِعْمَةَ اللّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنتُمْ أَعْدَاء فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ):آل عمران (3): 103.

[46]. (فَاتَّقُواْ اللّهَ وَأَصْلِحُواْ ذَاتَ بِيْنِكُمْ): انفال (8): 1.

[47]. (أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ): شوري (42 ): 13.

[48]. آل عمران (3): 20 و 103.

[49]. (وَأَطِيعُواْ اللّهَ وَرَسُولَهُ وَلاَ تَنَازَعُواْ): انفال (8): 46.

[50]. نساء (4):59.

[51]. نساء 04): 60.

[52].همان، آيه 65.

[53]. (وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْاْ إِلَى مَا أَنزَلَ اللّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ رَأَيْتَ الْمُنَافِقِينَ يَصُدُّونَ عَنكَ صُدُوداً): نساء (4): 61.

[54]. (وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاء عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاء بَيْنَهُمْ): فتح (48): 29.

[55].ر.ک: محمدبن يعقوب کليني، کافي، ج2، ص 172.

[56].ر.ک: علي بن ابراهيم قمي، تفسير قمي، ج1، ص 149.

[57]. (لاَ تَغْلُواْ فِي دِينِكُمْ): نساء (4): 171، نيز مائده (5): 77.

[58]. نساء (4): 94و نيز توبه، 11.

[59].ر.ک: سيد مرتضي، تنزيه الانبياء، ص 127؛ همچنين ر.ک: شيخ مفيد، اختصاص، ص 365 و ر.ک: ميرزا حسين نوري، مستدرک‌الوسائل، ج12، ص 225.

[60]. محمد بن يعقوب کليني، اصول کافي، ج 2، ص 165.

[61]. برّ به معني نيکوکاري و تقوا است.

[62]. اثم به معناي گناه و تجاوز است.

[63]. معناي محوريت مذکور، اين است که در تعاون و همکاري ها بايد تنها مصلحت جامعه اسلامي و آرماني مهدوي و رضايت خداوند را در نظر گرفت.

[64]. (وَتَعَاوَنُواْ عَلَى الْبرِّ وَالتَّقْوَى وَلاَ تَعَاوَنُواْ عَلَى الإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ): مائده (5): 2.

[65]. (وَإِذَا جَاءكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلاَمٌ عَلَيْكُمْ): انعام (6): 54.

[66]. قال رسول ا... صلي الله عليه و آله: کان قائماً يصلي فمر به عمار بن ياسر فسلم عليه فرد عليه النبي هکذا (ر.ک:، محمدبن يعقوب کليني، اصول کافي، ج3، ص 366.)

[67]. (وَأَقِيمُواْ الصَّلاَةَ وَآتُواْ الزَّكَاةَ وَارْكَعُواْ مَعَ الرَّاكِعِينَ): بقره (2): 43.

[68]. (وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَى وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالجَنبِ): نساء (4): 36.

[69]. (رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا: حشر (59):10. رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ): ابراهيم (14): 41 .

[70]. حشر (59): 7.

[71]. بقره (2): 267 و منافقون (53): 10.

[72]. (مَن ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ): حديد (57): 11.